

چارچوبی تلفیقی برای تحلیل تشکیل احزاب سیاسی به روش اقتصاد هزینه‌ی مبادله

جعفر عبادی*

دانشیار دانشکده‌ی اقتصاد دانشگاه تهران jebadi@ut.ac.ir

علی چشمی

استادیار دانشکده‌ی علوم اداری و اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

a.cheshomi@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۱/۸/۲۳

چکیده

اقتصاد هزینه‌ی مبادله‌ی ویلیامسون یک نظریه‌ی بنگاه در اقتصاد نهادی جدید است که تاکنون بسیار برای تحلیل مبادلات اقتصادی به کار رفته و طبق آن تصمیمات ساخت - خرید یا به عبارتی ادغام‌های عمودی در بنگاه‌ها تحلیل شده است. نوآوری این مقاله، کاربرد این نظریه برای یک موضوع سیاسی یعنی تشکیل احزاب است. در این راه، مبانی نظریه‌ی انتخاب عمومی (یا نظریه‌ی اقتصادی سیاست) در نقش راهنما عمل می‌کند. کاربرد اقتصاد هزینه‌ی مبادله برای تشکیل احزاب نیاز دارد نخست، مبادلات بین سیاستمداران با یکدیگر به عنوان واحد نهایی تحلیل انتخاب شود، ماهیت ساختارهای تدبیر (انفرادی و حزبی) سیاستمداران برای انجام این مبادلات معرفی شود. ویژگی‌های این مبادلات یعنی درجه‌ی اختصاصی شدن دارایی‌ها، نااطمینانی‌های محیطی و رفتاری و تکرار مبادلات که بر هزینه‌ی هر یک از ساختارهای تدبیر تأثیر دارد، احصا شده و تأثیر محیط نهادی بر هزینه ساختارهای تدبیر تبیین شود. کاربرد این چارچوب برای تشکیل احزاب منتخب در کشورهای آمریکا، ترکیه و ایران نشان می‌دهد که سیاستمداران آمریکا و ترکیه به دلیل هزینه‌ی کم‌تر ساختار حزبی (یا هزینه‌ی بیش‌تر رفتار انفرادی) از احزاب استفاده کرده‌اند، ولی در ایران به دلیل هزینه‌ی بیش‌تر ساختار حزبی (یا هزینه‌ی کم‌تر رفتار انفرادی) از احزاب استفاده بسیار محدودی شده است.

طبقه‌بندی JEL: D23, P16, D71, L31, L25

کلید واژه: اقتصاد هزینه‌ی مبادله، نظریه‌ی انتخاب عمومی، ساختارهای تدبیر، اختصاصی شدن دارایی، احزاب، محیط نهادی.

۱- مقدمه

موضوع این مقاله در حوزه‌ی تشکیل نهادها و مباحث کارایی در تولید و مبادله قرار می‌گیرد، زیرا به حزب به عنوان یک بنگاه تولیدکننده نگاه می‌شود که خدمات مدیریتی برای ارکان و سطوح مختلف دولت تولید می‌کند. هرچند بحث تشکیل احزاب از نظر ماهیتی یک موضوع سیاسی است، ولی با این دیدگاه، از نظریه‌هایی در اقتصاد نهادی جدید می‌توان برای این موضوع استفاده کرد.

بنگاه در نظریه‌ی نئوکلاسیکی به شکل تابع تولید و هم‌چون یک جعبه‌ی سیاه است که نمی‌تواند مسائل زیادی را تحلیل کند. اما نظریه‌های جدید بنگاه مانند اقتصاد هزینه‌ی مبادله^۱، نظریه‌ی کارگزاری، نظریه‌ی تولید تیمی، نظریه‌ی حقوق مالکیت و نظریه‌ی تکاملی توانایی دارند علل تشکیل، رشد و روابط درونی بنگاه‌ها را نیز تحلیل کنند. در بین این نظریه‌ها، اقتصاد هزینه‌ی مبادله‌ی ویلیامسون^۲ (۱۹۸۵) به شیوه‌های انجام مبادلات یا ساختارهای تدبیر^۳ توجه می‌کند. این نظریه تاکنون برای تحلیل مبادلات اقتصادی بسیار به کار رفته^۴ و طبق آن تصمیمات ساخت - خرید یا به عبارتی ادغام‌های عمودی در بنگاه‌ها تحلیل شده است. در این مقاله برای اولین بار در پی آن هستیم تا کاربرد این نظریه را برای تشکیل احزاب، به عنوان یک ساختار تدبیر برای مبادلات سیاسی، یا به عبارت دیگر به عنوان بنگاه‌های سیاسی تبیین کنیم. البته مطالعاتی مانند جونز و هودسن^۵ (۱۹۹۸)، مدلی با کمک اقتصاد هزینه‌ی مبادله ارائه کرده‌اند که در آن حزب به عنوان یک قرارداد ضمنی بین رأی‌دهندگان و سیاستمداران است که هزینه‌ی مبادله را برای رأی‌دهندگان، از طریق کاهش هزینه‌ی جستجو و کاهش دامنه‌ی فرصت‌طلبی سیاستمداران کاهش می‌دهد. این مطالعه، از این لحاظ که از اقتصاد هزینه‌ی مبادله استفاده کرده، به مقاله‌ی حاضر نزدیک است، اما یک تفاوت اساسی با مقاله‌ی ما دارد. به این صورت که آن‌ها مبادله بین رأی‌دهندگان و سیاستمداران را تحلیل می‌کنند که به برداشت نورث^۶ (۱۹۹۰) از هزینه‌ی مبادله نزدیک‌تر است در حالی که در مقاله‌ی حاضر مبادلات بین سیاستمداران که قابلیت

1- Transaction Cost Economics.

۲- Oliver E. Williamson به دلیل تلاش در اقتصاد هزینه‌ی مبادله برنده‌ی نوبل اقتصاد در ۲۰۰۹ شد.

3- Governance structures.

۴- David and Han (2004) مطالعات گوناگون تجربی درباره‌ی اقتصاد هزینه‌ی مبادله را مرور کرده‌اند.

5- Jones and Hudson.

6- North.

ادغام عمودی داشته و با برداشت ویلیامسون (۱۹۸۵) از هزینه‌ی مبادله انطباق بیش‌تری دارد، تحلیل می‌شود.

نظریه‌ی انتخاب عمومی^۱ (یا استفاده از روش اقتصاد برای تحلیل موضوعات سیاسی) هنگامی که از نظریه‌های اقتصادی مربوط به کالاهای خصوصی مانند اقتصاد هزینه‌ی مبادله در حوزه‌ی امور سیاسی استفاده می‌شود، می‌تواند راهنمای مناسبی باشد. این نظریه، مبانی اقتصاد مرسوم را با تعدیلاتی در امور سیاسی به کار برده است.

مقاله به صورت زیر تنظیم شده است: نخست اصول راهنما از نظریه‌ی انتخاب عمومی و اقتصادی نهادی جدید معرفی می‌شود. دوم، فروض رفتاری فعالان در امور مشخص می‌شود. سوم، آن دسته از مبادلات سیاستمداران که موضوع تشکیل احزاب هستند، تشریح می‌شود. چهارم، ساختارهای تدبیر مبادلات سیاستمداران با یکدیگر مقایسه می‌شود. پنجم، تأثیرگذاری ویژگی‌های مبادلات بر هزینه‌های ساختار تدبیر تبیین می‌شود. ششم، تأثیر نهادها بر هزینه‌ی ساختارهای تدبیر مبادلات سیاستمداران بررسی می‌شود. هفتم، نتایج برای تشکیل احزاب منتخب در کشورهای آمریکا، ترکیه و ایران به کار می‌رود و این چارچوب تلفیقی جمع‌بندی می‌شود.

۲- اصول راهنما

روش تحلیل در نظریه‌های اقتصادی مرسوم، بر مبنای «انتخاب عقلایی» در قالب فردگرایی روش‌شناختی^۲ است که طی آن کارگزاران انفرادی به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند تا منافع خود را با وجود محدودیت‌ها و در چارچوب نهادی متفاوت برآورده کنند. توسعه و تعدیل این روش در اقتصاد نهادی جدید سبب شده است یک روش با اصول راهنمای مشخص شکل بگیرد که با آن می‌توان مسائلی مانند تشکیل احزاب را تحلیل کرد. پیش از معرفی این اصول راهنما، لازم است ماهیت نهادها در اقتصاد نهادی جدید و جایگاه احزاب در آن مشخص شود. نهادها «قواعد بازی» در جامعه هستند یا به عبارتی قیودی هستند که روابط متقابل بین افراد را هدایت و محدود می‌کنند (نورث، ۱۹۹۰، ۱۹). نهادها را طبق نظر ویلیامسون (۲۰۰۰) و نورث (۱۹۹۰) می‌توان در سه سطح دسته‌بندی کرد:

سطح اول، نهادهای غیررسمی یا به عبارتی «ریشه‌داری»^۳ یا مبانی فرهنگی انسان است. سطح دوم، «محیط نهادی» است که به عنوان «قواعد رسمی بازی» مانند قوانین

1- Public Choice Theory

2- methodological individualism

3- Embeddedness

اساسی و موضوعه تعریف می‌شود. سطح سوم، «ساختارهای تدبیر» به تعبیر ویلیامسون و «سازمان‌ها» به تعبیر نورث است که به «انجام بازی» می‌پردازد. در این سطح، شیوه‌های تدبیر مبادلات شامل بازار، ترکیبی و سلسله مراتب (درون بنگاه) تحلیل می‌شود. اقتصاد هزینه‌ی مبادله به این سطح از نهادها می‌پردازد. موضوع این مقاله یعنی «احزاب سیاسی» درباره‌ی این سطح از نهادهاست. البته ویلیامسون، سطح چهارم تحلیل‌های اجتماعی را نیز به عنوان تحلیل تخصیص منابع و اشتغال معرفی می‌کند که به تحلیل انتخاب‌های قیمتی و مقداری در بازارها می‌پردازد. این سطح از تحلیل‌ها نیز به منظور محدود کردن دامنه‌ی تحلیل، در مقاله‌ی حاضر نیامده است.

نهادهای هر سه سطح به‌طور دائم با یکدیگر در ارتباط متقابلند و بر هم تأثیر دارند. اما در این مقاله، فقط ارتباط و اثرات نهادهای سطح دوم (نهادهای رسمی) بر نهادی در سطح سوم (یعنی حزب) تحلیل می‌شود و سایر روابط متقابل نهادها فقط برای ساده‌سازی مباحث در تحلیل‌ها وارد نمی‌شود، زیرا طرح این مباحث خود به تدوین مقالات دیگری نیاز دارد.

اصول راهنما که برای تحلیل نهاد احزاب باید رعایت شود به شرح زیر است:

اصل اول، علم قرارداد به جای انتخاب

در اقتصاد نهادی جدید، نهادها هم در تحلیل‌ها اهمیت دارند و هم این که خود موضوع تحلیل قرار می‌گیرند. در نتیجه، ماهیت علم اقتصاد از تکیه بر انتخاب‌ها به سمت قراردادها متمایل شده است، زیرا در مبادلات بین افراد در جامعه فقط نتایج نهایی انتخاب آن‌ها مهم نیست، بلکه ابعاد قراردادی و رفتار فعالان در مراحل مختلف این مبادلات (پیش، حین و پس از قرارداد) نیز اهمیت دارد. بنابراین در این مقاله اگر مبادلات سیاسی در جامعه با کمک اقتصاد هزینه‌ی مبادله در قالب قراردادی گنجانده شود، می‌توان تشکیل احزاب را تحلیل کرد.

اصل دوم، فردگرایی روش‌شناختی در اقتصاد و سیاست

طبق فردگرایی روش‌شناختی با وجود محدودیت منابع و فنون و الزامات نهادی، این افراد هستند که تشخیص می‌دهند، انتخاب می‌کنند و رفتار می‌کنند. نظریه‌ی انتخاب عمومی این آموزه‌ی مهم را دارد که یک نظریه‌ی اقتصادی فردگرا چه هنگامی که موضوعات اقتصادی و چه هنگامی که موضوعات سیاسی را تحلیل می‌کند فقط کافی است به جامعه به عنوان یک سرجمع^۱ نگاه نکند، تا بتواند رفتار فرد انتخاب‌کننده تحت زمینه‌های نهادی

1- Aggregation.

مختلف و در فرآیندهای متعامل را تحلیل کند (بوکانن، ۱۹۸۷، ۲۴۴-۲۴۵)، بنابراین هنگامی که تشکیل احزاب تحلیل می‌شود، باید مشخص شود که رفتار کدام افراد مورد بررسی قرار گیرد. در این مقاله از بین سیاستمداران، شهروندان و رأی‌دهندگان با توجه به مبادلاتی که موضوع تحلیل قرار می‌گیرد، بر رفتار سیاستمداران تمرکز خواهد شد.

اصل سوم، کارایی در فرایندهای امور سیاسی

نظریه‌ی انتخاب عمومی به ما می‌آموزد که لزومی ندارد در امور سیاسی در پی نتایج کارای پارتو باشیم. بلکه در امور سیاسی برای رسیدن به کارایی باید هزینه‌های فرایندهای جمعی (هزینه‌های عدم توافق و تصمیم‌سازی) را در نظر گرفت و به سمت اتفاق آرا حرکت کرد (بوکانن و تالوگ، ۱۹۶۲، ۶۳-۸۴). احزاب می‌توانند یکی از نهادهایی باشند که هزینه‌های این فرایندها را کاهش یا افزایش می‌دهند.

اصل چهارم، اهمیت نهادها در امور سیاسی بیش از امور اقتصادی

نهادها به‌ویژه نهادهای رسمی بر رفتار افراد در امور سیاسی بیش‌تر از بازارها تأثیر دارند. هم‌چنین این نهادها در امور سیاسی شکل می‌گیرند و امور سیاسی چیزی جز مبادلاتی برای کنش جمعی افراد برای تشکیل نهادها نیست (بوکانن، ۱۹۸۷، ۲۴۶-۲۴۸). از بین نهادهای رسمی، قانون اساسی و دولت در امور سیاسی از اهمیت بیش‌تری برخوردار هستند. احزاب سیاسی نیز نهادهایی هستند که مبتنی بر قوانین اساسی و در ارتباط نزدیک با دولت شکل می‌گیرند.

۳- سه فرض رفتاری برای فعالان

در این مقاله برای تحلیل احزاب، سه فرض رفتاری از اقتصاد هزینه‌ی مبادله‌ی ویلیامسون نظریه‌ی انتخاب عمومی اهمیت دارد:

اول، عقلانیت محدود

عقلانیت محدود^۱، شکلی نیمه‌قوی از رفتار عقلایی و به این مفهوم است که افراد می‌خواهند عقلایی رفتار کنند، ولی در عقلایی رفتار کردن محدودیت دارند، زیرا کاملاً عقلایی بودن به دلیل محدودیت توانایی درک انسان برای دریافت، ذخیره، بازیابی و پردازش اطلاعات غیرممکن است. پذیرش عقلانیت محدود این نتیجه را دارد که افراد در مبادلات پیچیده نمی‌توانند قراردادهای کاملی منعقد کنند که حاوی تمام رویدادها

1- Bounded rationality.

به ویژه رویدادهای پس از وقوع مبادله و احتمالات متناظر آن‌ها باشد. به این ترتیب، «قراردادهای پیچیده به طور اجتناب‌ناپذیری ناقص هستند» (ویلیامسون، ۱۹۸۵، ۴۶).

دوم، فرصت‌طلبی

به عقیده‌ی ویلیامسون (۱۹۸۵، ۴۸)، فرصت‌طلبی یعنی انسان‌هایی که به دنبال نفع شخصی‌اند از حيله (دروغ گفتن، دزدی، کلاهبرداری و ... به شکل دادن اطلاعات ناقص یا دستکاری در اطلاعات) گریزی ندارند (یعنی قوی‌ترین شکل نفع شخصی). یعنی حتی اگر یک بازی دارای قواعد مشخصی باشد، احتمال دارد این قوانین نقض شود. (همان، ۴۷-۴۹). آن چه در اقتصاد هزینه‌ی مبادله برای تحلیل روابط قراردادی اهمیت دارد، وجود هم‌زمان دو فرض عقلانیت محدود و فرصت‌طلبی است که قراردادهای ناقص می‌کند. در صورتی که قراردادهای ناقص باشد، حقوق مالکیت کامل نیست و هزینه‌ی مبادله در بازار بیش از صفر است و در نتیجه به طور حتم بازار بهترین ساختار تدبیر برای انجام مبادلات نیست و دلیلی برای شکل‌گیری بنگاه‌ها وجود خواهد داشت (همان، ۶۶-۶۷).

سوم، منافع اقتصادی و غیراقتصادی

طبق نظریه‌ی انتخاب عمومی، ماهیت نفع شخصی به عنوان ثروت و درآمد اقتصادی در مدل‌های بازار اقتصادی اشکالی ایجاد نمی‌کند، ولی هنگام به‌کارگیری نظریه‌ی اقتصاد در امور سیاسی لزومی ندارد که رفتار افراد به ثروت و درآمد محدود شود. سود شخصی می‌تواند منافع غیراقتصادی مانند موقعیت اجتماعی، قدرت و خدمت به مردم باشد. برای نظریه‌ی اقتصادی مهم این است که افراد، پی‌گیر ارزش‌های خود باشند (سازگار رفتار کنند) و مهم نیست که این ارزش‌ها چه هستند (بوکانن، ۱۹۸۷، ۲۴۵).

۴- مبادلات سیاست‌مداران به عنوان واحد تحلیل

در اقتصاد هزینه‌ی مبادله، دیدگاه کامونز (۱۹۳۴، ۴) برای انتخاب واحد نهایی تحلیل به کار می‌رود: «واحد نهایی فعالیت ... که سه اصل را در خود دارد: تضاد، اشتراک منافع و سامان^۱، چنین واحدی یک "مبادله" است».

ساختار احزاب می‌تواند یک سامان مناسب برای انجام مبادلات سیاسی بین افراد باشد که به آن‌ها امکان می‌دهد تضادها را حل و فصل و از منافع مشترک بهره‌برداری کنند، بنابراین طبق اقتصاد هزینه‌ی مبادله، در اولین گام برای تحلیل احزاب باید مبادله‌ی اصلی در امور سیاسی که قابل ادغام عمودی و موضوع اصلی تحلیل این مقاله

1- Conflict, mutuality and order.

است، مشخص شود. انواع مبادلات سیاسی در نظام‌های مردم‌سالار عبارتند از: الف- مبادله‌ی بین شهروندان و دولت، ب- مبادله‌ی بین شهروندان و سیاستمداران، ج- مبادله‌ی بین سیاستمداران و دیوان‌سالاران و د- مبادله‌ی بین سیاستمداران با یکدیگر. یک سیاستمدار باید فعالیت‌های متنوعی را برای انجام وظیفه‌ی نمایندگی خود در دولت انجام دهد. این فعالیت‌های سیاستمدار از مرحله‌ی پیش از قرارداد با شهروندان (یعنی پیش از انتخابات) با فعالیت‌های مربوط به کسب توانمندی‌ها، تدوین سیاست‌ها و بیانیه‌ها، تأمین مالی و ائتلاف با سایر افراد و گروه‌ها شروع می‌شود، سپس در مرحله‌ی انعقاد قرارداد (یعنی حین برگزاری انتخابات و رأی‌گیری) ادامه می‌یابد تا این که در مرحله‌ی پس از قرارداد، یک سیاستمدار برای اجرای وظایف خود لازم است فعالیت‌هایی چون کسب اطلاعات و ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌ها، تصمیم‌گیری درباره‌ی آن‌ها و نیز کسب مؤافقت سایر سیاستمداران را انجام دهد.

یک سیاستمدار برای انجام هر یک از این فعالیت‌ها به مبادلات گوناگونی با سایر سیاستمداران نیاز دارد. این که دو یا چند سیاستمدار با یکدیگر متحد شوند و این فعالیت‌ها را با هم داخل یک گروه (حزب) انجام دهند، خود یک ادغام افقی است، ولی این که هر سه نوع فعالیت با هم داخل یک سازمان (حزب) انجام گیرد، یک ادغام عمودی محسوب می‌شود. بنابراین مبادلات سیاستمداران با یکدیگر است که طبق اقتصاد هزینه‌ی مبادله‌ی ویلیامسون باید برای تشکیل احزاب به عنوان واحد تحلیل انتخاب شود، زیرا این مبادلات در ساختارهای تدبیر متفاوت قابل انجام است که یکی از آن‌ها احزاب است. محققان دیگر، تاکنون چنین ادغامی را برای تحلیل انتخاب نکرده‌اند. در این مقاله بحث می‌شود که خالص هزینه‌های یک سیاستمدار هنگامی که این فعالیت‌های سیاسی خود را در ساختار تدبیر انفرادی انجام می‌دهد، نسبت به زمانی که در یک ساختار حزبی به همراه سایر سیاستمداران انجام می‌دهد چه تفاوتی دارد. در نتیجه، مبادلات بین سیاستمداران با یکدیگر به عنوان «مبادله‌ی اصلی» و واحد نهایی تحلیل تعیین شد. اکنون آن چه اهمیت دارد ساختارهایی است که سیاستمداران برای تدبیر این مبادلات انتخاب می‌کنند و عواملی است که بر هزینه‌های سیاستمداران در هر یک از این ساختارها مؤثر هستند.

۵- ساختارهای تدبیر مبادلات سیاستمداران: حزبی در مقابل انفرادی

برای این که مبادلات فعالان محقق شود و طرف‌های مبادله به منافع متقابل خود برسند، از شیوه‌های تدبیر متفاوتی استفاده می‌کنند. ویلیامسون (۱۹۸۵ و ۱۹۹۱)، به

پیروی از کوز (۱۹۳۷)، با تمرکز بر ادغام‌های عمودی سه شیوه‌ی تدبیر را از یکدیگر متمایز کرد: بازار، ترکیبی^۲ و سلسله‌مراتب^۳. مبادلاتی که در بازار انجام می‌شود بیش‌تر قراردادهای آن کوتاه‌مدت است، هویت طرف مبادله اهمیت ندارد، هیچ وابستگی بین طرف‌های مبادله ایجاد نمی‌شود و طرفین از یکدیگر مستقل هستند، در صورت عدم اجرای تعهدات توسط یکی از طرفین مبادله، یک طرف سومی مانند دادگاه می‌تواند بین طرف‌های مبادله حکم کند و چنان‌چه اختلالی در قیمت یا کیفیت مورد مبادله ایجاد شود، طرفین مبادله به سرعت خود را با شرایط جدید وفق داده و کالای مورد نظر را از فروشنده یا خریدار دیگر تهیه می‌کنند.

در شیوه‌ی ترکیبی معمولاً قراردادهای بلندمدت بین مبادله‌کنندگان رواج دارد، طرفین مبادله تاحدی به یکدیگر وابسته می‌شوند، هویت‌شان برای یکدیگر اهمیت دارد، در صورت بروز اختلاف تاحدی می‌توانند یک نفر را به داوری انتخاب کنند و اگر اختلالی در توافق ایجاد شود با چانه‌زنی می‌توانند توافق کنند یا قرارداد را فسخ کنند.

ویلیامسون (۱۹۹۱، ۲۷۴) اعلام می‌کند بنگاه یا شیوه‌ی سلسله‌مراتب فراتر از مجموعه‌ای از قراردادهای بلندمدت است، زیرا در این ساختار، طرفین مبادله کاملاً به یکدیگر وابسته می‌شوند، مدیر در مقابل سهامدار و یا کارگر در مقابل مدیر از خود هیچ استقلالی در تصمیم‌گیری برای بنگاه ندارند، این حکم مدیر است که در صورت بروز اختلاف مربوط به امور بنگاه بین کارگر و مدیر تعیین‌کننده است و اگر اختلالی در امور بنگاه ایجاد شود توسط هماهنگی جدیدی در کارهای بنگاه برطرف می‌شود.

ویلیامسون هر یک از ساختارهای تدبیر را براساس چهار معیار از یکدیگر متمایز می‌کند: اول، نوع قانون قراردادها، دوم، تطبیق خودکار^۴ در بازار یا هماهنگ‌شده^۵ در بنگاه، سوم، دستور و کنترل اداری، چهارم، شدت انگیزه‌ها. از این رو هر یک از ساختارهای تدبیر برای انجام دادن مبادلات خاصی کاراترند و یا به عبارتی خالص هزینه‌های آن‌ها کم‌تر است. بازار بیش‌ترین انگیزه را برای کارگزاران ایجاد می‌کند و بهترین ساختار تدبیر برای تطبیق‌های خودکار است، ولی در این ساختار امکان استفاده از کنترل اداری وجود ندارد و در مواردی که به تطبیق مبتنی بر هماهنگی نیاز است، ناکاراست. در مقابل، بنگاه با استفاده از قدرت مدیر بیش‌ترین قابلیت را برای تطبیق‌های

۱- برای متون فارسی به نصیری اقدم (۱۳۸۷) متوسلی و دیگران (۱۳۹۰) مراجعه کنید.

2- Hybrid.

3- Hierarchy.

4- Autonomous adaptation.

5- Coordinated adaptation.

مبتنی بر هماهنگی دارد، ولی کم‌ترین انگیزه را برای اعضای خود فراهم می‌کند و برای تطبیق‌های خودکار کم‌ترین توانایی را دارد. ویژگی‌های سایر ساختارهای تدبیر، بینابین بازار و بنگاه است. این معیارها باتوجه به ویژگی‌های مبادله است که تعیین می‌کند کدام ساختار برای تعهد یک مبادله‌ی خاص کم‌ترین هزینه را دارد (ویلیامسون، ۱۹۹۱، ۲۸۱).

ساختارهای تدبیر فعالیت‌های اقتصادی را می‌توان به مبادلات بین سیاستمداران با یکدیگر تعمیم داد. در حالت اول، یک سیاستمدار می‌تواند به‌طور انفرادی و بدون عضویت در یک حزب با سایر سیاستمداران ارتباط برقرار کند و فعالیت‌های خود را انجام دهد. این حالت همانند آن است که سیاستمدار از شیوه‌ی بازاری برای انجام فعالیت‌های خود استفاده کند. در حالت دوم، سیاستمدار می‌تواند با گروهی از هم‌فکران خود طبق توافقی بلندمدت همکاری کند. در این شیوه، سیاستمدار برای انجام مبادلات خود از ساختار ترکیبی استفاده می‌کند. در حالت سوم، سیاستمدار می‌تواند در یک حزب عضو شود و مبادلات وی با سایر سیاستمداران توسط حزب انجام گیرد. در این روش، سیاستمدار از تدبیر سلسله‌مراتبی (بنگاه) برای انجام فعالیت‌های خود استفاده می‌کند.

البته روابط سیاستمداران با یکدیگر در یک حزب با روابط سلسله‌مراتبی در یک بنگاه یا دولت متفاوت است. جوزف شلزینگر^۱ (۱۹۸۴)، احزاب را سازمان‌هایی بازاری و تولیدکننده کالای جمعی می‌داند که اعضای خود را به‌طور غیرمستقیم جبران می‌کنند. با این حال، افراد در احزاب همانند سایر سازمان‌ها پی‌گیر منافع خود هستند و احزاب در دو قرن اخیر همواره در جوامع غربی وجود داشته و سازمان خود را با شرایط جوامع تطبیق داده‌اند. براساس ماهیت سازمانی احزاب، چهار گونه از احزاب در سابقه‌ی این کشورها وجود دارد: احزاب نخبه‌ای^۲، احزاب توده‌ای^۳، احزاب انتخاباتی و احزاب کارتلی^۴. تفاوت در این احزاب بیش‌تر بر اساس اندازه سازمان، تعداد اعضا و نقش ایدئولوژی در آن‌ها بوده که اهمیت آن در احزاب جدیدتر مانند احزاب انتخاباتی و کارتلی کم‌تر شده است، اما در همه احزاب همواره سیاستمداران در پی حداکثرسازی رأی بوده‌اند تا میزان قدرت خود در دولت را افزایش دهند و با ارائه‌ی خدمات مدیریتی در دولت به مردم، خود را حفظ کنند. بنابراین هرچند ماهیت سازمان احزاب تفاوت‌های اساسی پیدا

1- Schlesinger.

2- Elite Party.

3- Mass Party.

۴- به دیاموند و گونتر (۲۰۰۱) و میر (۱۹۹۷) مراجعه شود.

کرده است، ولی به هدف اصلی مقاله که تفکیک هزینه‌های سیاست‌مداران در ساختار حزبی در مقابل رفتار انفرادی است آسیبی وارد نمی‌کند. در ادامه، عوامل مؤثر بر هزینه‌های سیاست‌مداران در این دو ساختار شناسایی می‌شود.

۶- ارتباط ویژگی‌های مبادلات با ساختارهای تدبیر

ویژگی‌هایی از مبادلات که شرایط مبادله‌ی ایده‌آل بازاری را از بین می‌برند، هزینه‌های مبادله در هر یک از ساختارهای تدبیر را تعیین می‌کنند. این ویژگی‌ها عبارتند از: الف- درجه‌ی اختصاصی شدن دارایی به کاربری‌های خاص^۱، ب- درجه‌ی ناطمینانی‌ها در مبادلات و ج- تکرار^۲ مبادلات (ویلیامسون، ۱۹۹۱، ۲۸۱).

الف- اختصاصی شدن دارایی

اختصاصی شدن دارایی عبارت است از «درجه‌ای که یک دارایی می‌تواند بین استفاده‌های بدیل و یا استفاده‌کنندگان مختلف جایگزین شود، بدون این‌که از ارزش مولد آن دارایی کاسته شود». اگر برای انجام یک مبادله از دارایی‌های با انعطاف پایین که مخصوص این مبادله است استفاده شود، آن‌گاه اختصاصی شدن دارایی بیش‌تر از صفر می‌شود. در این حالت، اگر مبادلات پیش از موعد مقرر نقض شود، بخشی از ارزش مولد سرمایه‌گذاری از بین می‌رود (یا هزینه‌ی از دست رفته^۳ وجود دارد). هرچه درجه‌ی اختصاصی شدن دارایی به کاربری‌های خاص زیادتر باشد، وابستگی‌های دوجانبه بین طرفین مبادله بیش‌تر است.

در شرایطی که عقلانیت محدود است، اگر فرصت‌طلبی قابل مهار نباشد، مبادلاتی که نیازمند دارایی‌های اختصاصی هستند، با هزینه‌ی مبادله‌ی بالایی در بازار مواجه می‌شوند، زیرا هرچه درجه‌ی اختصاصی شدن دارایی افزایش می‌یابد: هم طرفین مبادله در بازار سعی خواهند کرد که قراردادهای کامل‌تری را طراحی کنند که این امر قراردادهای پیچیده‌تر کرده و هزینه‌های اجرای قراردادها را بالا می‌برد. هم به دلیل عقلانیت محدود چون که امکان پیش‌بینی همه‌ی وقایع احتمالی در قرارداد وجود ندارد، در صورت رفتار فرصت‌طلبانه یک طرف مبادله، هزینه‌ی از دست رفته‌ی طرف دیگر بالا خواهد بود. در نتیجه در درجه‌ای از اختصاصی بودن دارایی‌ها، انجام مبادله در ساختار بازار طبق قراردادهای کوتاه‌مدت و بلندمدت به‌صرفه نیست و انجام آن در ساختار بنگاه

1- Asset specificity.

2- Frequency.

3- Sunk Cost.

کم‌هزینه‌تر خواهد بود. در مدل ویلیامسون (۱۹۹۱)، هزینه‌ی ساختار تدبیر به عنوان متغیر وابسته و درجه‌ی اختصاصی شدن دارایی به عنوان متغیر توضیح‌دهنده است. سایر متغیرها به عنوان پارامترهای انتقال در مدل وارد می‌شود. این مدل را می‌توان برای مبادلات سیاستمداران با یکدیگر به صورت زیر تنظیم کرد:

هزینه‌ی مبادلات سیاستمداران با یکدیگر در ساختار انفرادی: $S(k)=S(k; \&)$

هزینه‌ی مبادلات سیاستمداران با یکدیگر در ساختار ترکیبی: $L(k)=L(k; \&)$

هزینه‌ی مبادلات سیاستمداران با یکدیگر در ساختار حزبی: $P(k)=P(k; \&)$

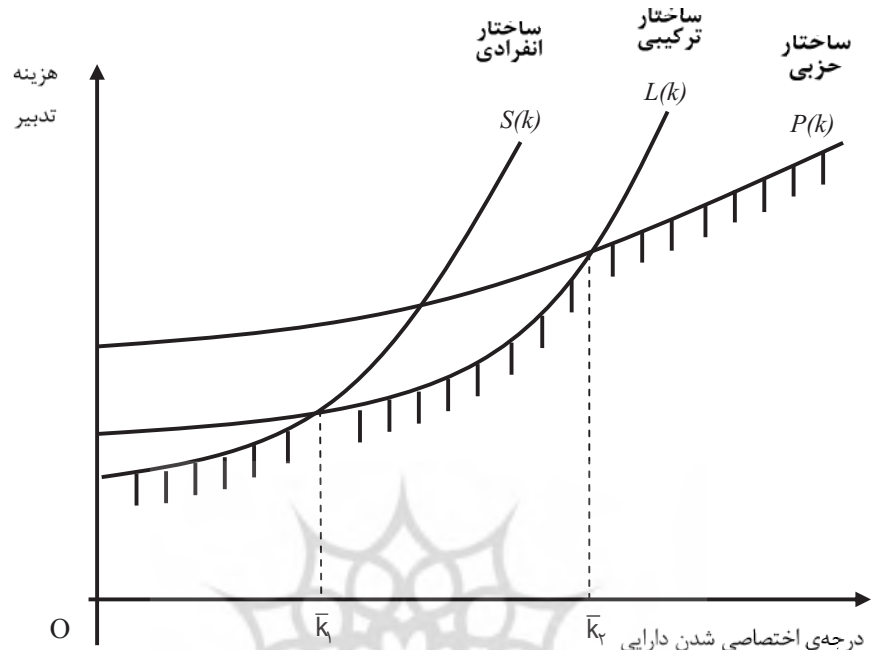
شکل ۱ محور عمودی هزینه‌ی ساختارهای تدبیر و محور افقی درجه‌ی اختصاصی شدن دارایی در مبادلات سیاستمداران با یکدیگر را نشان می‌دهد. هنگامی که درجه‌ی اختصاصی شدن دارایی صفر است فعالیت سیاستمداران در ساختار انفرادی کم‌ترین هزینه را دارد و هزینه‌های دیوانسالاری باعث می‌شود ساختار حزبی بیش‌ترین هزینه را داشته باشد. با زیاد شدن اختصاصی شدن دارایی، منافع ناشی از تطبیق هماهنگ‌شده نسبت به منافع ناشی از تطبیق خودکار و شدت انگیزه‌ها در ساختار انفرادی بیش‌تر افزایش خواهد یافت. لذا شیب منحنی هزینه‌ی ساختار انفرادی از شیب منحنی هزینه‌ی ساختار حزبی بیش‌تر است. به این دلیل که هرچه قدر درجه‌ی اختصاصی شدن دارایی افزایش می‌یابد هزینه‌های تطبیق نامطلوب^۱ در ساختار انفرادی با سرعت بیش‌تری نسبت به هزینه‌های ساختار حزبی افزایش می‌یابد. هنگامی که درجه‌ی اختصاصی شدن دارایی‌ها از حد مشخصی مانند \bar{k}_p بیش‌تر است اگر اختلالی در مبادله ایجاد شود سیاستمداران باید هزینه از دست رفته زیادی را در ساختار انفرادی تحمل کنند. اما اگر از ساختار حزبی استفاده کنند این ساختار هم‌چون محافظی^۲ عمل می‌کند تا از وقوع این هزینه‌های از دست رفته، با تطبیق هماهنگ‌شده، جلوگیری شود.

خلاصه این که با افزایش درجه‌ی اختصاصی شدن دارایی مبادلات، بهینه‌یابی هزینه‌های مبادله ایجاب می‌کند مبادلات سیاستمداران از ساختار انفرادی به تدریج به مبادلات در ساختار ترکیبی و سپس به مبادلات درون حزبی منتقل شود، اما به تعبیر ویلیامسون سایر عوامل نیز در این «متناسب‌سازی تبعیض‌آمیز^۳» مبادلات با ساختارهای تدبیر دخالت دارند. بنابراین این فرضیه وجود دارد که «هر چه درجه‌ی اختصاصی شدن دارایی در مبادلات سیاستمداران با یکدیگر بیش‌تر باشد، احتمال استفاده از ساختار تدبیر حزبی بیش‌تر است».

1- maladaptation.

2- Safeguard.

3- discriminating alignment hypothesis.



مأخذ: براساس ویلیامسون، ۱۹۹۱، ۲۸۴

شکل ۱- هزینه‌های ساختارهای تدبیر برای مبادلات سیاست‌مداران با یکدیگر

در این مقاله، درجه‌ی اختصاصی شدن دارایی‌ها براساس معیارهایی شامل «برند» سیاست‌مداران و احزاب، مهارت‌های سیاسی و روابط با حامیان سیاسی ارزیابی می‌شود. براساس شواهد موجود فعالیت‌های سیاسی به شهرت و وجهه‌ی زیادی نیاز دارد، بنابراین درجه‌ی اختصاصی شدن دارایی ناشی از برند در این مبادلات زیاد است. هم‌چنین، یک سیاست‌مدار باید چندین سال در سطوح مختلف به فعالیت سیاسی بپردازد تا حین کار با ماهیت کار، نهادها و روابط سیاسی آشنا شود و در کسب عواید سیاسی تخصص پیدا کند، لذا مبادلات سیاست‌مداران با یکدیگر از درجه‌ی اختصاصی شدن دارایی انسانی بالایی برخوردار است.

ب- نااطمینانی

هر یک از ساختارهای تدبیر مبادلات برای واکنش به اختلالات موجود از توانمندی‌های متفاوتی برخوردارند. دو نوع نااطمینانی را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد: نااطمینانی محیطی و نااطمینانی رفتاری.

نااطمینانی محیطی به «تغییرات پیش‌بینی نشده در شرایط پیرامون یک مبادله» برمی‌گردد. نااطمینانی محیطی بیش‌تر سبب می‌شود تمایل به استفاده از سازوکار بازار در مبادلات تقویت شود، زیرا می‌تواند هزینه‌ی از دست رفته‌ی بیش‌تری برای بنگاه ایجاد کند و رسیدن به تطبیق هماهنگ‌شده در بنگاه را پرهزینه‌تر کند (ویلیامسون، ۱۹۸۵، ۵۷). بنابراین این فرضیه وجود دارد که «هرچه نااطمینانی محیطی برای مبادلات بیش‌تر باشد، احتمال استفاده از ساختار تدبیر حزبی کم‌تر است». البته اگر درجه‌ی اختصاصی شدن دارایی قابل توجه باشد، این اثر نااطمینانی محیطی از بین می‌رود. در این مقاله، تغییرات محیطی مانند تغییر زیاد قوانین، انقلاب‌ها و کودتاها، انحلال گسترده‌ی احزاب و فشار زیاد بر سیاست‌مداران به صورت حبس و ممنوعیت فعالیت سیاسی به عنوان مؤلفه‌های نااطمینانی در محیط سیاسی انتخاب شده است.

نااطمینانی رفتاری از مشکلات مربوط به نظارت بر عملکرد واقعی طرفین مبادله نشأت می‌گیرد. این نااطمینانی ناشی از رفتار فرصت‌طلبانه‌ی طرفین مبادله است که به‌طور عمدی و استراتژیک ایجاد می‌شود و می‌تواند برای یکی از طرفین قرارداد برای طرف دیگر زیان ایجاد کند (ویلیامسون، ۱۹۸۵، ۵۸). نااطمینانی رفتاری سبب می‌شود تمایل به انجام فعالیت‌ها در درون بنگاه، یعنی ادغام عمودی، افزایش یابد، لذا این فرضیه وجود دارد که «هرچه نااطمینانی رفتاری در مبادلات بیش‌تر باشد، احتمال استفاده از ساختار حزبی بیش‌تر است». نااطمینانی رفتاری در فعالیت‌های سیاسی را می‌توان بر اساس میزان انشعاب در احزاب، انحلال احزاب، خروج اعضای اصلی و چهره‌های برجسته از حزب یا به صورت تبلیغ منفی و تخریب سیاست‌مداران توسط یکدیگر ارزیابی کرد.

ج- تکرار مبادلات

میزان تکرار مبادلات نیز بر هزینه‌ی ساختار تدبیر مبادلات اثرگذار است. تکرار بیش‌تر مبادلات تعیین می‌کند که مبادلات در درون بنگاه و از طریق سلسله مراتب انجام شود، زیرا در نتیجه‌ی این امر در هزینه‌های مکرر عقد قرارداد، صرفه‌جویی خواهد شد. بنابراین این فرضیه وجود دارد که «هر چه تکرار مبادلات بیش‌تر باشد، احتمال استفاده از ساختار حزبی بیش‌تر است». تکرار مبادلات در فعالیت‌های سیاسی بر اساس معیارهایی چون تعدد انتخابات در کشور و نیز اهمیت پست‌های انتخابی در کشورها قابل سنجش است.

۷- نقش محیط نهادی در هزینه‌ی مبادلات سیاستمداران

مدل اقتصاد هزینه‌ی مبادله با فرض ثابت بودن برخی ویژگی‌های مبادله (نااطمینانی و تکرار مبادلات) و محیط نهادی تنظیم شده است، بنابراین اگر این عوامل نیز تغییر پیدا کنند، سبب انتقال در منحنی هزینه‌ی هر یک از ساختارهای تدبیر می‌شوند. در این مقاله به پیروی از اوستروم^۱ (۲۰۰۵)، رویکردی چند سطحی برای سلسله مراتب قواعد مربوط به احزاب استفاده می‌شود تا اثرات سه نوع از نهادهای رسمی بر هزینه‌های سیاستمداران در دو ساختار تدبیر حزبی و انفرادی تحلیل شود.

۱- قواعد مردم‌سالاری. قواعد مردم‌سالاری مهم‌ترین نهادی است که «امکان و ابعاد مبادله» شهروندان با سیاستمداران و سیاستمداران با یکدیگر در فرایندهای مردم‌سالار را تعیین می‌کند. اصولی از مردم‌سالاری مانند آزادی انتخاب، انتخاب سیاستمداران با رأی مردم و دوره‌ای بودن مدت نمایندگی در این زمینه اهمیت دارد. همچنین هرچه قدر تفکیک افقی (تفکیک قوای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضائیه) و عمودی دولت (ملی، ایالتی و محلی) بیش‌تر باشد «تعداد مبادلات» بین سیاستمداران بیش‌تر است (برگرفته از پرسون و تابلینی^۲، ۲۰۰۳، ۳-۲۹).

۲- قواعد انتخاباتی. قواعد انتخاباتی «نحوه‌ی مبادله» شهروندان با سیاستمداران و روابط سیاستمداران با یکدیگر را تعیین می‌کند. این قواعد، شرایط انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان و سازوکار انتخاب نمایندگان مردم را مشخص می‌کند. مهم‌ترین جزء این قواعد، سازوکاری است که در آن آرا دریافت شده در انتخابات تبدیل به کرسی‌های نمایندگی می‌شود و معمولاً به دو شکل اصلی وجود دارد: ۱- نظام‌های اکثریتی^۳ (یعنی نخستین کسی که در مقایسه با دیگران آرای بیش‌تری را اخذ کند، پیروز انتخابات خواهد بود)، ۲- نظام‌های تناسبی^۴ (هر یک از احزاب سیاسی به تناسب میزان آرای خود می‌توانند کرسی‌ها را کسب کنند). در نظام‌های تناسبی و نیز در انتخاباتی که در حوزه‌های بزرگ انجام می‌شود هزینه‌ی فعالیت انفرادی سیاستمداران بسیار بالاتر از نظام‌های اکثریتی و انتخابات در حوزه‌های کوچک است. قانون دوورژه^۵ (۱۹۵۴)، در مباحث علوم سیاسی، تفاوت در قواعد انتخاباتی را مهم‌ترین علت شکل‌گیری نظام‌های حزبی می‌داند.

1 -Ostrom.

2- Persson and Tabellini.

3- Majority Systems.

4- Proportional Systems.

5- Duverger's law.

۳- قواعد خاص احزاب. «امکان و شیوه تدبیر مبادلات»، بین سیاستمداران با یکدیگر و محدوده‌های فعالیت‌های حزبی را قوانین و مقررات خاص احزاب تعیین می‌کند. این قوانین و مقررات معمولاً درباره‌ی نحوه‌ی تأسیس احزاب، نحوه‌ی عضوگیری، نحوه‌ی فعالیت انتخاباتی، شیوه‌ی تأمین مالی، ارکان سازمانی، ارتباطات و فعالیت‌ها و شیوه‌های انحلال احزاب و سازوکارهای حل اختلافات است. این چارچوب قانونی می‌تواند در قانون اساسی، قوانین موضوعه‌ی پارلمان و یا مقررات دولتی فراهم شده باشد. این محدودیت‌های قانونی برای این ضرورت دارد تا از فرصت‌طلبی سیاستمداران جلوگیری شود یا به تعبیر اقتصادی از رقابت بزن دررو^۱ در بازار سیاست جلوگیری شود.

محیط نهادی رسمی علاوه بر این که خود به‌طور مستقیم بر هزینه‌ی مبادلات سیاستمداران در دو ساختار تدبیر (انفرادی یا حزبی) تأثیر دارد، بر ویژگی‌های این مبادلات (یعنی اختصاصی شدن دارایی، نااطمینانی و تکرار مبادلات) و در نتیجه به‌طور غیرمستقیم بر هزینه‌های سیاستمداران تأثیرگذار است. این اثرات غیرمستقیم به صورت زیر قابل تبیین است:

- قوانین انتخاباتی و قوانین و مقررات خاص احزاب می‌تواند درجه‌ی اختصاصی شدن دارایی مبادلات سیاستمداران با یکدیگر را تعیین کند.
- هرچه قدر قواعد مردم‌سالاری، قواعد انتخاباتی، قوانین و مقررات خاص احزاب و نحوه‌ی ضمانت اجرای قوانین و مقررات باثبات‌تر و کم‌هزینه‌تر برای سیاستمداران باشد، درجه‌ی نااطمینانی محیطی برای مبادلات سیاستمداران با یکدیگر کاهش می‌یابد.
- قواعد انتخاباتی، قوانین و مقررات خاص احزاب و نحوه‌ی ضمانت اجرای قوانین و مقررات می‌تواند امکان رفتار فرصت‌طلبانه‌ی سیاستمداران را محدود کند.
- هرچه قدر تعداد برگزاری انتخابات در پارلمان‌ها، دولت مرکزی، دولت ایالتی و دولت محلی بیش‌تر باشد، در نتیجه مبادلات بین شهروندان و سیاستمداران بیش‌تر می‌شود و تعداد مبادلات بین سیاستمداران افزایش می‌یابد.

۸- هزینه‌های ساختارهای حزبی و انفرادی در آمریکا، ترکیه و ایران

با توجه به اقتصاد هزینه‌ی مبادله، تشکیل احزاب در سه کشور آمریکا، ترکیه و ایران را می‌توان از این زاویه تحلیل کرد که چگونه ویژگی‌های مبادلات سیاستمداران با یکدیگر و نیز نهادهای رسمی بر هزینه‌های سیاستمداران در ساختار حزبی در مقابل

ساختار انفرادی تأثیر داشته است. وضعیت این عوامل در ارتباط با تشکیل حزب دموکرات آمریکا، حزب عدالت و توسعه‌ی ترکیه و گروه‌های سیاسی ایران در دوره‌ی پس از انقلاب ۱۳۵۷ در جدول ۲ آمده است. در این جدول، عواملی که هزینه‌ی سیاستمداران در ساختار حزبی را کاهش (یا در ساختار انفرادی افزایش) داده‌اند، به عنوان محرک تشکیل احزاب و عواملی که هزینه‌ی سیاستمداران در ساختار حزبی را افزایش (یا در ساختار انفرادی کاهش) داده‌اند به عنوان مانع تشکیل احزاب در سه کشور آمریکا، ترکیه و ایران به طور خلاصه ارائه شده است.

البته در این مقایسه باید این نکته را در نظر داشت که داشته‌های نهادی و تکنولوژیکی سه کشور به‌ویژه از نظر قواعد مردم‌سالاری، مبانی ایدئولوژیکی و نهادهای غیررسمی، فن‌آوری‌های ارتباط جمعی، سابقه‌ی احزاب و بسیاری از مسائل دیگر دارای تفاوت‌های اساسی است که هر عامل بر هزینه‌های سیاستمداران در دو ساختار تدبیر تأثیرگذار است، لذا براینده عوامل مذکور در جدول ۲ و این عوامل اخیر است که تعیین می‌کند سیاستمداران در هر کشوری از چه ساختاری برای فعالیت‌های خود استفاده کنند.

حزب دموکرات آمریکا با نام دیگر در سال ۱۷۹۲ و با نام کنونی در سال ۱۸۴۸ تأسیس شده و تاکنون چندین بار توانسته است در انتخابات ریاست‌جمهوری و کسب اکثریت مجلس سنا و نمایندگان آمریکا موفق عمل کند و نقش مهمی در مدیریت دولت‌های فدرال، ایالتی و محلی و انتخاب‌های اجتماعی و فرایندهای جمعی این کشور داشته باشد.

حزب عدالت و توسعه‌ی ترکیه از زمان تأسیس در سال ۲۰۰۱ تاکنون توانسته است سه بار در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ اکثریت مجلس را کسب کند و دولت حزبی تشکیل دهد، ریاست‌جمهوری ترکیه را در سال ۲۰۰۷ کسب کند، در انتخابات محلی به پیروزی‌های چشم‌گیری برسد و ۲ مرتبه در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۰ اصلاحات مورد نظر خود در قانون اساسی را به انجام رساند. هم‌چنین این حزب توانسته است با انتخاب سیاست‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی، عملکرد مناسبی از خود در راستای تحقق خواسته‌های شهروندان برجای گذارد.

وضعیت تشکیل احزاب ایران در دوره‌ی پس از انقلاب ۱۳۵۷ به این صورت بوده است که هرچند گروه‌هایی برای تدبیر امور فعالیت‌های سیاسی در کشور تأسیس شده‌اند و در مرحله‌ی حین انتخابات نیز فعالیت‌های سیاسی انجام داده‌اند، ولی این گروه‌ها نتوانسته‌اند در فعالیت‌های سیاسی پس از پیروزی در انتخابات به صورت حزبی عمل کنند، بنابراین آن چه با عنوان احزاب در ایران شهرت دارد، با احزاب ترکیه و آمریکا از نظر ساختار سازمانی و کارکردها و عملکردهای اجتماعی بسیار فاصله دارد.

جدول ۲- مقایسه‌ی عوامل مؤثر بر هزینه‌های سیاست‌مداران در ساختارهای حزبی در آمریکا، ترکیه و ایران

عامل تأثیرگذار	ایالات متحدهی آمریکا (حزب دموکرات)		ترکیه (حزب عدالت و توسعه)		ایران (دوره‌ی پس از انقلاب)	
	محرک تشکیل حزب	مانع تشکیل حزب	محرک تشکیل حزب	مانع تشکیل حزب	محرک تشکیل حزب	مانع تشکیل حزب
ویژگی‌های مبادلات سیاست‌مداران	اختصاصی شدن دارایی‌ها به شکل برند و مهارت‌های سیاست‌مداران	-	اختصاصی شدن دارایی‌ها به شکل برند و مهارت‌های سیاست‌مداران	نااطمینانی‌های محیط سیاسی پیش از ۲۰۰۱	اختصاصی شدن دارایی‌ها به شکل برند و مهارت‌های سیاست‌مداران	نااطمینانی‌های گسترده در محیط سیاسی
	نااطمینانی‌های رفتاری سیاست‌مداران	-	نااطمینانی‌های رفتاری سیاست‌مداران	نااطمینانی‌های رفتاری سیاست‌مداران	نااطمینانی‌های رفتاری سیاست‌مداران	نااطمینانی‌های رفتاری سیاست‌مداران
	تکرار و حجم بسیار گسترده مبادلات بین سیاست‌مداران	-	تکرار و حجم گسترده مبادلات بین سیاست‌مداران	تکرار و حجم گسترده مبادلات بین سیاست‌مداران	تکرار و حجم گسترده مبادلات بین سیاست‌مداران	تکرار و حجم گسترده مبادلات بین سیاست‌مداران
نهاد‌های سیاسی (قواعد دموکراسی، انتخاباتی و خاص احزاب)	قواعد دموکراسی در تشکیل دو قوه‌ی مجریه و قوه‌ی مقننه و انتخابات ایالتی و محلی (سابقه دموکراسی ۲۳۳ سال)	قواعد دموکراسی در تشکیل قوه‌ی مجریه و مقننه و انتخابات محلی و شهرداری‌ها (سابقه دموکراسی ۱۳۶ سال)	نداشتن نظام فدرال و برگزاری انتخابات در سطوح ایالتی	قواعد دموکراسی در تشکیل بخشی از قوه‌ی مجریه و قوه‌ی مقننه و برگزاری انتخابات در سطوح ایالتی	قواعد دموکراسی در تشکیل بخشی از قوه‌ی مجریه و قوه‌ی مقننه و برگزاری انتخابات در سطوح ایالتی	قواعد دموکراسی در تشکیل بخشی از قوه‌ی مجریه و قوه‌ی مقننه و برگزاری انتخابات در سطوح ایالتی
	نظام انتخاباتی رئیس‌جمهوری - نظام انتخاباتی مجلس سنا - نظام انتخاباتی فرمانداران ایالات - نظام انتخاباتی مجلس نمایندگان در حوزه‌های کوچک	نظام انتخاباتی - نظام انتخاباتی تناسبی مجلس که شرط ورود احزاب به انتخابات را معرفی‌کنند در حداقل ۵۰ حوزه و شرط ورود احزاب به مجلس را ۱۰ درصد کل آرا و شرط تشکیل دولت را اکثریت کرسی‌های مجلس تعیین می‌کند	نظام انتخاباتی محلی در شهرهای کوچک و روستاها	نظام انتخاباتی محلی در شهرهای کوچک و روستاها	نظام انتخاباتی ریاست‌جمهوری که به صورت یک کرسی از یک حوزه در سراسر کشور است	نظام انتخاباتی ریاست‌جمهوری که به صورت یک کرسی از یک حوزه در سراسر کشور است
ازادی احزاب طبق اصول قانون اساسی و قواعد احزاب در سطح ایالات‌ها	-	ازادی احزاب و قواعد احزاب برای	انحلال احزاب با صلاحدید دادگاه قانون اساسی	تأسیس و انحلال احزاب بر اساس صلاحدید کمیسیون ماده‌ی ۱۰ قانون احزاب	تأسیس و انحلال احزاب بر اساس صلاحدید کمیسیون ماده‌ی ۱۰ قانون احزاب	
یارانه به احزاب	یارانه به احزاب	یارانه به احزاب	یارانه به احزاب فقط در سال‌های ابتدای دهه‌ی ۱۳۸۰	یارانه به احزاب فقط در سال‌های ابتدای دهه‌ی ۱۳۸۰	یارانه به احزاب فقط در سال‌های ابتدای دهه‌ی ۱۳۸۰	

۹- نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا تشکیل احزاب به عنوان یک موضوع سیاسی با اقتصاد هزینه‌ی مبادله به عنوان یک نظریه‌ی بنگاه (در اقتصاد نهادی جدید) و رهنمودهای نظریه‌ی انتخاب عمومی تحلیل شود و یافته‌های نظری برای تشکیل احزاب در کشورهای آمریکا، ترکیه و ایران به کار رود. نتایج نشان می‌دهد:

۱. به پیروی از اقتصاد هزینه‌ی مبادله و نظریه‌ی انتخاب عمومی، «مبادلات» سیاستمداران با یکدیگر به عنوان واحد نهایی تحلیل انتخاب شده است که سیاستمداران این مبادلات را در ساختارهای تدبیر حزبی، انفرادی یا ترکیبی می‌توانند انجام دهند. ویژگی‌های مبادلات شامل درجه‌ی اختصاصی شدن دارایی، به عنوان متغیر اصلی، نااطمینانی‌های محیطی و رفتاری و تکرار مبادلات و نیز محیط نهادی شامل قواعد مردم‌سالاری، قواعد انتخاباتی و قواعد خاص احزاب^۱ بر هزینه‌ی سیاستمداران در هر یک از این ساختارهای تدبیر تأثیر دارد.

۲. نتایج حاصل از مقایسه‌ی عوامل مؤثر بر هزینه‌های سیاستمداران در ساختار حزبی و انفرادی در سه کشور آمریکا، ترکیه و ایران نشان می‌دهد که:

- در هر سه کشور، اختصاصی شدن دارایی‌ها برای مبادلات سیاستمداران (به شکل برند، مهارت‌ها و روابط سیاسی)، نااطمینانی‌های رفتاری (به شکل انشعاب و خروج از احزاب و تخریب سیاستمداران توسط همدیگر)، تکرار و اندازه‌ی گسترده‌ی مبادلات بین سیاستمداران، قواعد مردم‌سالاری، آزادی احزاب طبق قانون اساسی و یارانه به احزاب بر سیاستمداران برای رفتار در ساختار حزبی اثر مثبت داشته است.

- در آمریکا، عواملی هم‌چون نظام انتخاباتی ریاست‌جمهوری، مجلس سنا و مجلس نمایندگان در حوزه‌های بزرگ و فرماندار ایالات بر تشکیل احزاب اثر مثبت داشته است. اما نظام انتخاباتی مجلس نمایندگان در حوزه‌های کوچک بر تشکیل احزاب اثر منفی داشته است.

- در ترکیه، عواملی هم‌چون نظام انتخاباتی تناسبی در مجلس، قواعد ورود احزاب به انتخابات و تشکیل دولت حزبی در نظام پارلمانی و انتخابات شهرداری‌ها در شهرهای بزرگ بر تشکیل احزاب اثر مثبت داشته است. ولی نااطمینانی‌های محیطی در سیاست (به ویژه چهار بار مداخله نظامیان در سیاست به سال‌های ۱۹۶۰، ۱۹۷۱، ۱۹۸۰ و

۱- برای تحلیل اثرات سایر نهادها و عوامل از جمله داشته‌های نهادی و تکنولوژیکی کشورها به‌ویژه از نظر وجود دولت‌مدرن، قواعد مردم‌سالاری، مبانی ایدئولوژیکی و نهادهای غیررسمی، فن‌آوری‌های ارتباط جمعی، سابقه‌ی احزاب و دخالت کشورهای خارجی بر هزینه‌های سیاستمداران به مطالعات تکمیلی نیاز است.

۱۹۹۷)، محدود شدن تکرار مبادلات سیاستمداران (به دلیل فدرال نبودن حکومت و نظام انتخابات محلی در حوزه‌های کوچک) و انحلال احزاب طبق صلاحدید دادگاه قانون اساسی (به‌ویژه در دوره‌ی پیش از سال ۲۰۰۱) بر تشکیل احزاب اثر منفی داشته است. با این حال، حزب عدالت و توسعه توانسته است نااطمینانی‌های محیطی را در دوره‌ی فعالیت خود کنترل کند و برخی از پایگاه‌های قدرت نظامیان مانند ریاست‌جمهوری را به دست آورد.

- در ایران، عواملی هم‌چون نظام انتخاباتی ریاست‌جمهوری، انتخابات مجلس در حوزه‌های بزرگ و انتخابات شوراها در شهرهای بزرگ توانسته است سیاستمداران را برای رفتار در ساختار حزبی تحریک کند، اما نااطمینانی‌های محیطی گسترده، محدود شدن تعداد مبادلات سیاستمداران به دلیل فدرال نبودن، انتخابات مجلس و شوراها در حوزه‌های کوچک و تأسیس و انحلال احزاب طبق صلاحدید کمیسیون ماده‌ی ۱۰ قانون احزاب بر تشکیل احزاب اثر منفی داشته است.

۳. عوامل گوناگونی فراتر از موارد برجسته‌شده در این مقاله بر هزینه‌های سیاستمداران در دو ساختار حزبی و انفرادی تأثیر دارد، بنابراین یک عامل به تنهایی در تشکیل احزاب در کشورها تعیین کننده نبوده، بلکه به‌طور هم‌زمان چند عامل افزایش‌دهنده و چند عامل کاهش‌دهنده‌ی هزینه‌های سیاستمداران در ساختارهای حزبی و انفرادی است. در تقابل این هزینه‌ها، پیامد نهایی این بوده است که سیاستمداران در آمریکا و ترکیه احزاب بزرگ با ماهیت و سابقه‌ی متفاوت تشکیل داده‌اند، ولی سیاستمداران در ایران چنین احزابی را تشکیل نداده‌اند.

۴. همان‌طور که ویلیامسون (۱۹۹۱، ۲۷۷) ادعا دارد، باید کارایی سازمانی را علاوه بر کارایی فنی و تخصیصی در مبادلات در نظر گرفت. هنگامی که یک مبادله در مناسب‌ترین ساختار تدبیر انجام می‌گیرد، نتیجه می‌تواند از نظر سازمانی کارا باشد. بنابراین، عدم تدبیر فعالیت‌های سیاسی در ساختار حزبی در ایران می‌تواند از نظر اجتماعی کارا نباشد. بنابراین اگر تشکیل احزاب بتواند به بهبود کارایی اجتماعی کمک کند، باید قواعد انتخاباتی و حزبی به‌گونه‌ای اصلاح شود که سیاستمداران را به تشکیل احزاب تشویق و حتی مجبور کند.

فهرست منابع

- ۱- دیاموند، لری و ریچارد گونتر. (۲۰۰۱). انواع و کارکردهای احزاب سیاسی، فصل دوم کتاب احزاب سیاسی و دموکراسی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی، خرداد ماه ۱۳۸۳.

- ۲- متوسلی، محمود. مشهدی‌احمد، محمود. نیکونسبتی، علی و سمیعی نسب، مصطفی. (۱۳۹۰). تجدید حیات اقتصاد نهادی، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
- ۳- نصیری اقدم، علی. (۱۳۸۷). عوامل مؤثر بر صادرات فرش دستباف: تحلیلی در چارچوب اقتصاد نهادگرا، رساله‌ی دکتری در رشته‌ی اقتصاد، دانشگاه تهران.
- ۴- نورث، داگلاس. (۱۹۹۰). نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه‌ی محمدرضا معینی، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷.
- 5- Buchanan, James M. (1987). The Constitution of Economic Policy. *American Economic Review*. June, 77, pp. 243-50.
- 6- Buchanan, James M., and Gordon Tullock. (1962). *The Calculus of Consent*. Ann Arbor: University of Michigan Press.
- 7- Coase, Ronald H. (1937). The Nature of the Firm, *Economica*, 4: 386-405.
- 8- Commons, John R. (1934). *Institutional Economics*, University of Wisconsin Press.
- 9- David, R. J., and Han S. K. (2004). A systematic assessment of the empirical support for transaction cost economics. *Strategic Management Journal* 25(1): 39-58.
- 10- Jones, Philip, and Hudson, Jhon. (1998). The role of political parties: An analysis based on transaction costs. *Public Choice* 94: 175-189.
- 11- Mair, Peter. (1997). *Party System Change*, Oxford University Press.
- 12- Ostrom, E. (2005). *Understanding Institutional Diversity*. Princeton University Press.
- 13- Persson, T., and Tabellini, G. (2003). *The economic effects of constitutions*, The MIT Press.
- 14- Schlesinger, J. A. (1984). On the Theory of Party Organization. *Journal of Politics*, 46(2):369-400.
- 15- Williamson, Oliver E. (1985). *The Economic Institutions of Capitalism*, Free Press.
- 16- Williamson, Oliver E. (1991). Comparative Economic Organization: The Analysis of Discrete Structural Alternatives. *Administrative Science Quarterly*, 36 (2): 269-296.
- 17- Williamson, Oliver E. (2000). The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead. *Journal of Economic Literature*, 38(3): 595-613.